



تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۲

تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۰۵

تاریخ انتشار: ۹۸/۱۲/۰۱

بررسی فقهی خوانندگی زنان در اسلام

نرگس سروش^۱ سیدمحمدرضا آیتی*^۲

چکیده

یکی از مباحث مطرح شده در علم فقه صوت زنان است که البته مانند عمده مسائل مورد اختلاف فقهاء قرار گرفته است. در این پژوهش صوت به غنایی و غیرغنایی تقسیم شده است. در مورد صوت غیرغنایی زنان مانند صحبت‌های عادی، بسیاری از متقدمین فقهای شیعه به دلیل عورت دانستن صوت زن قائل به حرمت آن بوده‌اند، اگرچه متأخرین و معاصرین فقهای امامیه به دلیل سیره معصومین (ع) و سیره متشرعه عورت بودن صوت زن را رد و صوت غیرغنایی زنان را به مانند فقهای عامه مجاز دانسته‌اند. در خصوص صوت غنایی زنان متقدمین از فقهای امامیه که معتقد به حرمت صوت غیرغنایی بودند، بدیهی است که در این جا به طریق اولی قائل به حرمت باشند؛ اما دیگر فقهاء یعنی فقهایی که صوت غیرغنایی زنان را حرام نمی‌دانند در مورد صوت غنایی زنان اختلاف نظر دارند، عده‌ای قائل به حلیت (با تمسک به اطلاقات و عمومات ادله حلیت) و عده کثیری به دلیل اینکه بر اساس قرآن و سنت و اجماع قائل به حرمت ذاتی غنا هستند نظر به حرمت دارند. علمای اهل سنت اکثراً قائل به حلیت هستند. در این بین عده‌ای قلیل از فقهای امامیه نظر به حلیت ذاتی غنا دارند و غنا را بر دو نوع حلال و حرام تقسیم می‌کنند، و ادله حرمت را منصرف به نوع حرام آن می‌دانند، در واقع خوانندگی زنان را اگر لهوی مضل عن سبیل الله نباشد جایز می‌دانند.

کلید واژگان: صوت، غنا، زنان، اسلام، خوانندگی.

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
^۲ استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
 پست الکترونیکی: smrayati@yahoo.com

مقدمه

غنا و خوانندگی از مسائل بحث بر انگیز در فقه شیعه و اهل سنت بوده است. در مورد اصل غنا فارغ از زن یا مرد بودن خواننده بین علمای هر دو فرقه اختلاف نظرات زیادی وجود دارد، مشهور فقهای امامیه قائل به حرمت ذاتی غنا هستند، شیخ طوسی در الخلاف (طوسی، ج ۶، ص. ۳۰۵ و ۳۰۶) و علامه در اجوبه المسائل (علامه حلی، ۱۴۰۱، ص. ۲۵) و ابن ادریس در السرائر (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص. ۱۲۰) بر حرمت غنا، نقل اجماع کرده اند، ویر نظر خود ادله ای از آیات قرآن (نجم: ۵۹-۶۱؛ فرقان: ۷۲؛ حج: ۳۰) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص. ۴۳۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص. ۳۱۰) اقامه کرده اند و معدوی از ایشان بر حلیت ذاتی غنا نظر دارند و ادله قائلین به حرمت را پاسخ داده اند (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۵، ص. ۱۸۱-۱۹۵؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص. ۱۲۵). علمای اهل سنت هم در بحث غنا، هم نظر نیستند عده ای قائل به حرمت (طبری، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص. ۱۲۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص. ۱۳۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص. ۵۳) و عده دیگر نظر به حلیت دارند (شوکانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص. ۱۱۴؛ غزالی، بی تا، ج ۲، ص. ۲۷۰) و حتی بعضا قائل به کراهت هستند (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص. ۴۲؛ الهیتمی، بی تا، ص. ۴۱) و هریک بر نظر خویش ادله ای اقامه کرده اند.

باتوجه به این که فقها در اصل حکم غنا باهم اختلاف نظر دارند، در مورد خوانندگی و غنای زنان هم بین ایشان اختلافاتی وجود دارد. در نگاه بدوی و اجمالی دیدگاه فقهی مشترک بین دو فرقه (شیعه و اهل سنت) منع از صوت و خوانندگی زنان است، به تصویر این که صوت زنان به طور عام و خوانندگی آن‌ها به طور خاص موجب تحریک مردان و ایجاد مفسده در جامعه می‌شود؛ اما با نگاه دقیق و تفصیلی در فقه، به طور مطلق از صوت زنان منع نشده است.

پیشینه تحقیق

در مورد غنا پژوهش‌های بسیار زیادی انجام شده است اعم از کتاب‌ها و مقالات و رساله‌ها ی نگارش شده که یا به صورت مجزا و یا در ضمن مطالب دیگر، بحث غنا هم مطرح شده است. فقیهان شیعه از سده یازدهم به بعد رساله‌های مستقلی در غنا نوشته اند و این مساله از آن زمان به بعد معرکه الآراء شده است، ولی پیش از آن به همان مقدار اندکی از بحث که معمولا در دوره‌های فقهی در کتاب: "التجاره" یا کتاب: "الشهادات" ذکر می‌شد بسنده می‌کردند، چون ظاهرا مساله روز نبوده و چندان ابهام و اهمیتی نداشته است.

۱-چهل و پنج رساله فقهی (از مولی احمد تونی تا سید شهاب الدین مرعشی) در مورد غنا نگارش شده است.

۲- علاوه بر رساله های مستقل، عالمان شیعی در دیگر آثار آثار خود به مناسبتی بحث غنا را مطرح کرده اند (از شیخ صدوق تا آیت الله اراکی)

۳- بیست و دو اثر از معاصرین در مورد غنا به صورت چاپ شده وجود دارد.

نه تنها عالمان شیعی بلکه علمای اهل سنت هم از دیرباز به مساله غنا پرداخته اند و رساله های فقهی مستقل در این باب نگاشته اند و نیز دوره های فقهی مشتمل بر بحث غنا را نگارش کرده اند.

با وجود تحقیقات و کارهای انجام شده بسیار در مورد موسیقی و غنا اما به طور خاص در مورد خوانندگی زنان کار جامعی نشده است. حل شدن این مساله تکلیف جامعه را در قبال خوانندگی زنان مشخص می کند. اگر این مساله حل نشود جامعه دچار افراط و تفریط هایی می شود. افراط از این جهت که به طور کامل از خوانندگی زنان ممانعت می شود (علیرغم حضور زنان در جامعه) و تفریط از این حیث که خوانندگی زنان بدون حد و مرز صورت می گیرد (بدون توجه به حکم شرعی آن).

این تحقیق به دلیل این که متناسب با جامعه دینی امروز است کاری نو می باشد.

روش تحقیق در این مقاله: به شیوه تحلیلی - استنباطی است و از ابزار کتابخانه و اینترنت استفاده شده است. هدف از این تحقیق، بحث درباره ی حکم فقهی صوت و خوانندگی زنان در اسلام می باشد که در ابتدا به مفاهیم واژگان نظری اجمالی می کنیم سپس حکم مسئله را از منظر فقه شیعه (محوریت) و اهل سنت مورد بررسی قرار می دهیم.

تعریف واژه ها و اصطلاحات پر کاربرد

صوت را به دو قسمت تقسیم می کنیم: ۱- غیر غنا (غیر خوانندگی) که شامل تکلم و سلام و سخنرانی می باشد. ۲- غنا (خوانندگی) زیرا که از منظر عرف، خوانندگی همان غنا می باشد.

البته غنا دارای دو مفهوم عام (لغوی) و مفهوم خاص (عرفی) می باشد که منظور از مفهوم عام و لغوی غنا، هر چیزی است که به شکل آواز ادا بشود و مفهوم خاص و عرفی غنا، همان خوانندگی در زبان فارسی است. واژه صوت به: آواز (زمخسری، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۱؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص. ۵۶۱) و جرس الکلام: زنگ و آواز کلام (موسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۲۲۴) تعریف شده است.

واژه غنا: "هرکس صدایش را بالا ببرد و (اجزای صدا را) پشت سرهم بیاورد در این صورت عرب صدای او را غنا می داند" (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص. ۱۳۶) "«غنا» بر وزن «کسا» صدایی است که مشتمل بر ترجیع مطرب باشد یا صدایی که در عرف به آن غنا می گویند؛ اگرچه طرب انگیز نباشد" (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۳۲۱).

منظور از ترجیع صوت: "تردید (گرداندن) صدا در حلق است مثل خواندن اصحاب لحن‌ها که آآآ می‌خوانند" (همان، ج ۴، ص ۳۳۴؛ ابن منظور، پیشین، ج ۸، ص ۱۱۵).

منظور از طرب: "فرح و حزن است" (همان، ج ۱، ص ۵۵۷).

بررسی فقهی صوت غیر غنایی زنان

در مورد حکم فقهی صوت غیر غنایی زنان (اعم از قول و تکلم و سخنرانی و...) بین فقهای دو فرقه اختلاف نظر وجود دارد، به طوری که اجماع فقهای اهل سنت بر عدم حرمت می‌باشد (الزحیلی، بی تا، ج ۱، ص ۷۵۵؛ زیدان، ۱۴۱۳، ۱۹۹۳، ج ۳، ص ۲۷۶-۲۸۳).

بررسی نظر و ادله قائلین به حرمت صوت (غیر غنایی) زنان

فقهای امامیه:

متقدمین از علمای امامیه وعده‌ای از متأخرین به دلیل عورت دانستن صوت زن قائل به حرمت آن بوده‌اند. شیخ صدوق: در بحث اخلاق و صفات مذموم زنان: ۱- در روایتی از امام صادق (ع) وارد شده است: «زنان ضعیف هستند و عورت می‌باشند پس (این) عورت را در خانه‌ها بپوشانید (و حفظ کنید) و ضعف (شان) را با سکوت (تان) بپوشانید». (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۹۰).

۲- پیامبر (ص) نهی کرده‌اند از این که زن با غیر شوهر یا با غیر محارمش در صورت ضرورت، بیشتر از پنج کلمه حرف بزند. (همان، باب ذکر جمل من مناهی النبی (ص)، ج ۴، ص ۶).

شیخ مفید: زن مسلمان آزاده باید در خانه‌اش پنهان باشد و از خانه خارج نشود، مگر در ادای حقی و در هنگام خروج از خانه نباید تبرج کند و برای زن حلال نیست که با مرد نامحرم حرف بزند و در خرید و فروش با نامحرم، نباید با او صحبت کند؛ مگر مضطر باشد که در این صورت، باید صدایش را پایین آورد و چشمانش را پایین اندازد، وقتی زن نیاز دارد که نزد حاکم برود (و طرح دعوا و شکایت بکند) می‌تواند نزد حاکم برود و با او حرف بزند؛ ولی اگر مردی از محارمش را نایب بفرستد نزد حاکم، بهتر است؛ و زن در مکالمه‌اش با نامحرم خضوع در قول نداشته باشد (نازک و با عشوه حرف نزند؛ بلکه محکم و باصلابت و کلفت حرف بزند) همان طوری که خداوند متعال زنان پیامبرش را به این مسئله توصیه می‌کند: "فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض وقلن قولا معروفا وقرن فی بیوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی ..."(احزاب: ۳۲ و ۳۳) «...پس به ناز سخن مگویید؛ و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید.» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۵).

محقق حلی: در بحث نکاح: مرد نابینا جایز نیست برای او که صدای زن اجنبیه را بشنود؛ چون صدای زن

عورت است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۱۳)

عَلَّامه حَلِّي:

الف) در بحث نکاح:

۱- شنیدن صدای زن اجنبیه برای انسان کور جایز نیست و برای زن هم نگاه به کور جایز نیست؛ (عَلَّامه حَلِّي، 1408، ج ۲، ص ۳؛ عَلَّامه حَلِّي، ۱۴۲۱، ص ۱۸۴).

۲- زن عورت است (عَلَّامه حَلِّي، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۷۳).

ب) در بحث جهاد: سلام کردن زنان به زنان، مثل سلام کردن مردان به مردان می‌باشد؛ اگر مردی به زنی سلام کند و بر عکس، اگر بین زن مرد رابطه زوجیت یا محرمیت باشد یا زن به قدری پیر باشد که مظنه فتنه و گناه نباشد، استحقاق جواب ثابت می‌شود و آلا نه (عَلَّامه حَلِّي، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۴).

بنابراین از نظر جناب عَلَّامه هم صوت زن به دلیل عورت بودن حرمت دارد (عَلَّامه حَلِّي، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۹۸).

محقق کرکی: در بحث نکاح: برای شخص نابینا جایز نیست که صدای زن اجنبیه را بشنود (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۲).

التفات نظر: فقهای که قائل به حرمت صوت غیر غنایی زنان بودند، صوت زن را عورت می‌دانستند و گاهی بر این نظر خود از روایات (کرکی، ۱۴۱۴، ص ۴۴) دلیل اقامه میکردند. قابل دقت است که روایات در صورتی قابل استناد هستند که هم سندا وهم دلالة (متنا) بر حکم مساله دلالت کنند، در حالی که روایاتی که از معصومین ع در مورد عورت بودن زن و یا صوت او وارد شده است، بالفرض که اشکال سندی نداشته نباشد (که قطعاً اشکال سندی دارد) اما (جهت اثبات حرمت صوت زن) متناهم قابل استناد نیستند، چون در هیچ روایتی صوت زن حرام دانسته نشده است، بلکه این حرمت، استنباط فقهاء بوده است که شاید دلیل این حکم هم عرف غالب و حاکم بر جامعه آن روز بوده است که زنان، بسیار از جامعه دور بوده اند.

فقهای اهل سنت: قائل به عدم حرمت می‌باشند.

بررسی نظر وادله قائلین به حرمت صوت (غیر غنایی) زنان

عده‌ای از متقدمین و اکثر متأخرین و معاصرین از فقهای امامیه و تمام علمای اهل سنت قائل به حرمت صوت غیر غنایی زنان هستند؛ چراکه عورت بودن صدای زن را قبول ندارند.

علمای امامیه:

شیخ طوسی: در بحث نکاح: کلام زنان از ماوراء حجاب محظوری (مانعی) ندارد بدون اختلاف (طوسی،

۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۶۸).

شهید ثانی: در بحث نکاح: در مسئله‌ی وجوب نفقه یکی از اسباب وجوب نفقه ملک نکاح است که اصل در این سبب، قبل از اجماع، آیه قرآن است و روایتی (النیسابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۳۸، ح ۷) که در آن نقل شده: هند زن ابوسفیان نزد پیامبر (ص) آمد و از همسرش به خاطر عدم پرداخت نفقه شکایت کرد و حضرت هم پاسخ زن را دادند، شهید بیان می‌کند از این روایت غیر از وجوب نفقه زوجه و ولد چیزهای دیگری هم برداشت می‌شود، اولاً: برای زن جایز است که از خانه خارج شود و استفتا کند، ثانیاً: صوت زن عورت نیست و گرنه اگر صوت زن عورت بود، حضرت آن زن را آگاه می‌کردند؛ زیرا تقریر معصوم مثل قول و فعلش می‌ماند (چون حضرت سکوت کردند پس آن کار امضا شده است و ردع شرعی ندارد) (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۸۸-۴۳۹).

مقدّس اردبیلی: در بحث صلاه، ص. در وجوب ردّ سلام فرقی بین دو مسلمان نیست که، هر دو ممیّز باشند، یا هر دو بالغ باشند یا هر دو مرد باشند یا هر دو زن باشند و یا مختلف باشند؛ اگرچه گفته شده که سلام کردن زن به مرد نامحرم حرام است، چون شنیدن صوت زن حرام است و صوت زن عورت است، ولی دلیل این (حرمت) نزد من ظاهر و مشخص نیست؛ بلکه آنچه که از اصل فهمیده می‌شود و از بعضی از اخبار: مانند تکلم حضرت زهرا (س) با اصحابش مثل سلمان و غیر او و همچنین عدم نهی پیامبر (ص) از نوحه (زنان) وقتی نوحه را می‌شنیدند و غیر این موارد، دلالت بر جواز (صوت زن) می‌کند، (مقدّس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۲۰-۱۲۱).

سیدعلی سیستانی: در بحث نکاح (سیستانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۵) و **سیدعلی خامنه‌ای:** در بحث معاملات (خامنه‌ای، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۰) قائل به حلیّت صوت غیر غنایی زنان هستند.

علمای اهل سنت:

وهبه الزحیلی: بنابر نظر جمهور (اکثر) فقها صوت زن عورت نیست؛ چون صحابه به (سخنان) زنان پیامبر (ص) برای معرفت و شناخت احکام دین گوش می‌دادند (الزحیلی، بی تا، ج ۱، ص ۷۵۵).

عبدالکریم زیدان:

(الف) در مورد صوت زن: صوت زن، ذاتاً عورت نیست و ممانعتی نیست از این که اجانب هنگام نیاز آن را بشنوند. اما در مورد آیه ۳۲ سوره مبارکه احزاب، آنچه از زن منع شده، خضوع در قول است و آنچه بر زن واجب شده، قول معروف است (زیدان، ۱۹۹۳، ج ۳، ص ۲۷۶-۲۸۴).

(ب) در مورد سلام بین زن و مرد: اولاً: جایز بلکه مستحب است سلام بین زنان و مردان چون محذوری وجود ندارد و شرع به این کار تشویق کرده است. ثانیاً: احادیثی که در این مورد وارد شده است با ظاهرشان افاده می‌کنند جواز سلام مردان به زنان و زنان به مردان را و این مذهب امام بخاری است و ما این را ترجیح می‌دهیم؛ چون برای

زن اجرای معاملات مالیه با مرد جایز است و لازمه‌ی معامله هم حرف زدن زن و مرد باهم است (همان، ج ۳، ص. ۲۹۲-۲۹۳).

التفات نظر: این گروه از فقهاء عورت بودن صوت زن را رد کرده اند و جهت جواز صوت زن ادله ای چون اجماع -تقریر- سیره معصومین و سیره متشرعه را اقامه کرده اند.

بررسی فقهی صوت غنایی زنان

منظور از صوت غنایی عبارت است از: هر صوتی که به صورت آواز ادا می‌شود (یعنی معنای عام و لغوی غنا) که شامل: اذان گفتن و قرائت نماز و قرآن و دعا و شعر و نوحه خوانی و.. می‌شود و هم‌چنین هر صوتی که به معنای خاص و عرفی غنا باشد که معادل فارسی آن خوانندگی می‌باشد.

در مورد صوت غنایی زنان بین فقهای هر دو فرقه اختلاف نظر وجود دارد به طوری که عده‌ای قائل به حرمت و برخی نظر به حلیت دارند.

بررسی نظر و ادله قائلین به حرمت صوت غنایی زنان

علمای امامیه:

شیخ صدوق: در بحث تجارت: کسب مغنیه حرام است (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۵، ص. ۳۶۲؛ ابن بابویه قمی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص. ۳۱۴).

شیخ مفید:

(الف) در بحث صلاة: اذان و اقامه بر زنان لازم نیست؛ ولی زنان وقت هر نمازی شهادتین را بگویند و صدایشان را به این شهادتین بلند نکنند تا مردان صدایشان را نشنوند (مفید، ۱۴۱۳، ص. ۹۹).

(ب) در بحث تجارت: کسب مغنیات (زنان آوازه‌خوان) حرام است و یاد گرفتن و یاد دادن غنا در شرع اسلام مخطور است (مفید، ۱۴۱۳، ص. ۵۸۸).

شیخ طوسی:

(الف) در بحث صلاة: از امام صادق (ع) سؤال کردم آیا اذان و اقامه بر زن واجب است؟ حضرت فرمود: نه (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص. ۵۷).

توجه: جناب شیخ عدم وجوب اذان و اقامه بر زنان را مطرح می‌کند؛ ولی در این جا از اذان اعلامی زنان حرفی نمی‌زند.

(ب) در بحث مکاسب: کسب مغنیات و تعلم (یاد گرفتن غنا) حرام است (طوسی، ۱۴۰۰، ص. ۳۶۵).

و امام خمینی: (موسوی خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶۶) و آقای خوئی: (موسوی خوئی، بی تا، ج ۱۳، ص ۳۲۸) و سیدعلی سیستانی: (سیستانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۲) در بحث صلاه قائل به حرمت صوت غنایی زنان هستند.

التفات نظر: مشهور؛ بلکه اجماع فقهای امامیه بر عدم اکتفا به اذان اعلامی زن برای مردان اجنبی - و عده‌ای (فائلند) حتی برای مردان محارم زن - می باشد و علت این حکم این بوده است که: اذان اعلامی زنان از صدر اسلام تا کنون، معهود و معروف نبوده است و حتی در روایات وارد شده است که اذان اعلامی زنان، مجزی و مکفی نمی باشد؛ اما در مورد عدم جواز و حرمت اذان اعلامی زن، عده‌ای از فقها صریحاً حکم به حرمت و عدم جواز را داده‌اند (به دلیل عدم معهودیت) و عده‌ای دیگر به صراحت حکم به حرمت و عدم جواز نداده‌اند (به دلیل اصاله الاباحه)؛ بلکه حکم به عدم مجزی بودن و عدم اکتفا به اذان اعلامی زن کرده‌اند.

علمای اهل سنت:

ابن قدامه:

الف) در بحث صلاه: چون اذان در اصل برای اعلام است و برای زنان اعلام تشریح نشده است و برای اذان رفع صوت (بالا بردن صدا) تشریح شده است و برای زن رفع صوت تشریح نشده است اذان و اقامه بر زنان واجب نیست (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۶).

ب) در بحث حج: مستحب است که زن صدایش را به تلبیه بلند نکند؛ مگر به مقداری که همراهش بشنود (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۰۵).

توجه: ایشان در مورد عدم وجوب اذان و اقامه و استحباب تلبیه به صورت آهسته بحث می کند؛ اما به صراحت در مورد حرمت اذان اعلامی زن حرف نمی زند.

ج) در بحث تجارت: فروختن هر چیزی که از آن کار حرامی قصد شود، مثل فروختن سلاح به اهل حرب و...؛ و فروختن و یا اجاره دادن کتیز برای غنا، حرام است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۶۸؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۵۵)

جزیری: در بحث صلاه: در مؤذن شرط است که مذکر باشد؛ پس اذان زن صحیح نیست و سه تا از ائمه موافق این نظرند (الجزیری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۸۵).

توجه: ایشان در این جا در مورد صحّت و عدم صحّت اذان زن بحث می کند؛ اما در مورد حرمت اذان اعلامی زن به صراحت بحث نکرده است.

عبد الکریم زیدان: در بحث صلاه:

۱- اذان و اقامه بر زنان واجب نیست؛ (زیدان، ۱۹۹۳، ج ۱، ص ۲۰۰).

۲- در مؤذّن شرط است که مرد باشد؛ اگر مؤذّن زن باشد، حکم مسئله از نظر فقها متفاوت است (ایشان نظرات مختلف را بیان می‌کند) که از نظر زیدیه: اذان گفتن زن صحیح نیست و اگر اذان بگوید، اذانش مجزی نیست (زیدان، ۱۹۹۳، ص. ۲۰۶-۲۰۹).

وهبه الزحیلی: در بحث صلاة: از شرایط مؤذّن این است که مرد باشد، اذان گفتن زن صحیح نیست؛ چون اذان گفتن زن حرام است و در اسلام تشریح نشده است (الزحیلی، ج ۱، ص. ۶۹۹-۷۰۰).

کاشانی حنفی: در بحث صلاة: مستحبات اذان دو نوع است؛ که یک نوع به خود اذان برمی‌گردد و یک نوع به صفات مؤذّن. در صفات مؤذّن، مؤذّن باید مرد باشد. به اتفاق روایات، اذان زن کراهت دارد؛ چون اگر صدایش را بلند کند مرتکب معصیت شده است و اگر آهسته بگوید، سنت جهر را ترک کرده است و اذان گفتن زنان در گذشته مرسوم نبوده است و از مسائل جدید و محدثه است که حضرت پیامبر (ص) فرمود: هر محدثی بدعت است. (الکاشانی الحنفی، ۱۹۸۲، ج ۱، ص. ۱۵۰).

توجه: ایشان هم به عدم مرسوم بودن اذان اعلامی زن تصریح کرده‌اند؛ اما در مورد حکم مسئله از طرفی بیان می‌کند کراهت دارد؛ ولی از طرفی می‌گوید اگر زن صدایش را بلند کند معصیت کرده است.

التفات نظر: از نظر فقهای اهل سنت/ اذان اعلامی زن تشریح نشده است؛ ولی در مورد حکم این اذان: عدّه‌ای از فقها قائل به عدم حرمت و عدّه‌ای هم به صراحت قائل به حرمت می‌باشند و عدّه‌ای از ایشان هم نظر به کراهت دارند.

بررسی نظر وادله قائلین به حلیت صوت غنایی زنان

علمای امامیه:

شیخ طوسی:

۱- در بحث صلاة: بر زنان اذان و اقامه واجب نیست و اگر اذان و اقامه را بگویند برای آنها ثواب منظور می‌شود؛ ولی نباید صدایشان را به قدری بالا ببرند که صدایشان را به گوش مردان برسانند و اگر زنی برای مردان اذان گفت، جایز است برای مردان که به این اذان اعتنا کنند و نمازشان را اقامه کنند؛ چون هیچ مانعی وجود ندارد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۹۶-۹۷).

۲- در بحث مکاسب

الف) باب اجرت نائحه: امام صادق (ع) فرمود: اشکالی ندارد اجرت نائحه‌ای که بر میت نوحه می‌خواند.
ب) باب اجرت مغنیه: امام صادق (ع) فرمود: اجرت مغنیه‌ای که در شب عروسی می‌خواند؛ به شرطی که مردان داخل مجلس نشوند، اشکال ندارد.

بعد جناب شیخ توضیح می‌دهد که: این اخبار، رخصت غنا در مورد کسی است که به باطل تکلم نکند و با لهوهای مثل عود و نی و.. بازی نکند (از آلات لهو استفاده نکند) بلکه جزو کسانی است که شب عروسی، عروس را به خانه داماد می‌برند و نزد عروس شعر می‌خوانند و اقوالی را به کار می‌برد که از فحش و باطل به‌زور است؛ اما غیر این‌ها از کسانی که با انواع وسایل لهوی غنا می‌کنند جایز نیست؛ چه در عروسی باشد یا غیر عروسی (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۶۲).

قابل توجه است که از نظر جناب شیخ، ملاک در حرمت صوت غنایی زن: همراه بودن مغنیه با کارهای حرامی چون آلات لهو یا استفاده از کلمات باطل و ناپسند و یا ورود مردان به این مجلس است و فرقی بین مجلس عروسی و یا غیر آن نمی‌باشد.

مقدّس اردبیلی:

(الف) در بحث صلاة:

۱- استحباب اذان و اقامه برای زنان، از عمومیت برخی اخبار فهمیده می‌شود. حرام بودن اسماع صدای زن برای مردان واضح نیست؛ چون دلیلی که صلاحیت حرمت را داشته باشد وجود ندارد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۳).

۲- در قرائت نماز: هیچ دلیلی بر وجوب آهسته خواندن زن در نماز وجود ندارد؛ چه در نمازهای اخفاتیه و یا جهریه؛ حتی اگر اجنبی صدایش را بشنود؛ چون عورت بودن صوت زن ثابت نشده است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ص ۲۲۸).
ب) در بحث تجارت: فعل مغنیه در عروسی‌ها - اگر به باطل و دروغ تکلم نکند و عمل لهوی غیر مجاز انجام ندهد و صدایش را مردان نشنوند - استثنا شده است (از حرمت) (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۵۹).

شیخ یوسف بحرانی: در بحث صلاة: در مورد اذان گفتن: آنچه نزد من ثابت است - از بررسی اخبار زیادی که دلالت می‌کند بر تکلم زنان با مردان در مجالس ائمه (ع) و همچنین کلام و صحبت کردن حضرت زهرا (س) با تعدادی از اصحاب و این که حضرت در مورد فدک از منزل خارج شده و وارد مسجد شدند و با تعدادی از صحابه مخاصمه کردند و بعد از مخاصمه و مجادله، آن خطبه طولانی را - که اهل سنت و شیعه آن را روایت کرده‌اند - بیان کردند - این بررسی‌ها خلاف آن چیزی است که اصحاب نقل می‌کنند (که صوت زن عورت است) بنابراین، اذان گفتن زنان برای اجانب ولو اذان اعلامی هم باشد، اشکال ندارد؛ الا این که در مورد اذان اعلامی باید از جهت دیگری توقّف کنیم (و آن جهت این است که) اذان اعلامی چون عبادت شرعی است، مبنی بر توقیف است و از ائمه (ع) وارد نشده که به زنان در اذان اعلامی اذن داده باشند و از زنان هم چنین اذانی در زمان ائمه واقع نشده است و هیچ

اشاره‌ای هم به این مسئله در اخبار نشده است؛ بلکه در همه زمان‌ها این اذان اعلامی فقط از مردها واقع می‌شده است؛ پس ما هم به همین توقف می‌کنیم، نه از جهت شنیدن صوت زن که عورت باشد؛ چون عورت بودن صوت زن به طور مطلق ثابت نشده است؛ اگرچه ظاهر بعضی از نصوص و ادله‌ی نادر دلالت می‌کنند بر عورت بودن صدای زن که این ادله هم، حمل می‌شوند بر حصول ریه (یعنی اگر با شنیدن صدای زن به گناه بیفتد در این صورت، صوت زن عورت است) که با حصول ریه هم، هیچ اختلافی در حرمت نمی‌باشد (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۳۳۲ و ۳۳۴ و ۳۳۵).

سیدعلی خامنه‌ای:

(الف) در بحث صلاة:

۱- (اذان و اقامه): اکتفا به اذان زن برای مرد، محل اشکال است (حسینی خامنه‌ای، بالفارسیه، بی تا، ص ۹۲). ایشان در پاسخ به این سؤال که آیا اذان اعلامی زنان (که مردان و زنان صدایش را بشنوند) حرام است؟ جواب داده‌اند: اگر مفسده‌ای بر آن مترتب شود، جایز نیست (شماره استفتاء: 4fH21vadfo بخش استفتاءات www.khamenei.ir).

۲- در قرائت حمد و سوره در نمازهای مغرب و عشا، زنان بین جهر و اخفات مخیر هستند؛ ولی اگر مرد صدایشان را می‌شنود، افضل اخفات است (حسینی خامنه‌ای، بالفارسیه، بی تا، ج ۱، ص ۸۱).
(ب) در بحث مکاسب:

۱- اگر صوت زن بر کیفیت غنایی نباشد و گوش کردن به آن صدا هم به قصد تلذذ و ریه نباشد و مفسده‌ای از مفسد بر آن مترتب نشود، مطلقاً اشکال ندارد (حسینی خامنه‌ای، بالفارسیه، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۰).
۲- ایشان در پاسخ این سؤال که: اگر زن بدون عشوه‌گری در جمع مردان غنا بخواند و از نظر عرف، مفسده‌ای در پی نداشته باشد حکمش چیست؟ بیان می‌کند: چنانچه خوانندگی زن در جمع مردان که طبعاً مراد، مردان بیگانه و نامحرم است، موجب تحریک شهوت، ریه و افتادن در گناه شود، غنای لهوی محرم است که هم برای خواننده حرام است و هم برای شنونده. توضیح بیشتر این‌که: شرط عدم تحریک شهوت که در سؤال فرض شده، تقریباً تحقق‌ناپذیر است؛ چگونه ممکن است زنی خوش صدا آوازی بخواند و مردها دل‌هایشان متوجه پروردگار باشد و ذکر بگویند و مفسده‌ای برایشان ایجاد نشود. این خیلی بعید است و عادتاً چنین چیزی تحقق نمی‌یابد؛ بلکه اگر شرط سؤال‌کننده تحقق یافت، حرام نیست؛ اما چرا انسان حکم به عدم حرمت چیزی بدهد که به طور طبیعی و عادی اتفاق نمی‌افتد. ضمناً در سؤال تعبیر به عشوه‌گری به کار رفته است، به این معنا که اگر عشوه‌گری نکند، شهوت‌انگیزی نخواهد شد. درحالی‌که چنین نیست؛ گاهی ممکن است آن عشوه‌گری هم نکند؛ اما در عین حال،

تحریک شهوت کند. پس ملاک عشوه‌گری نیست، تحریک شهوت است (khamenei.ir) دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای).

التفات نظر: مشهور فقهای امامیه، قائل به حرمت صوت غنایی زنان هستند، اعم از غنای به معنای عام و غنای به معنای خاص، که بسیاری از این جماعت / غنای زنان در شب عروسی را - به شرطی که تکلم به باطل نکنند و مردان بر مجلس زنان وارد نشوند و یا همراه با گناه دیگری نباشد - و نوحه‌سرایی را به شرطی که به حق باشد، جایز می‌دانند، از جمله: متقدمین: شیخ صدوق (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۶۱) و ابن ادریس حلّی (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۲۴) و محقق حلّی (محقق حلّی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷) و متاخرین: علامه حلّی (علامه حلّی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۸-۱۹) و معاصرین: آقای خویی (موسوی خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷) و امام (ره) (موسوی خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۹۷) و آقای سیستانی (سیستانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳) و عدّه‌ای از فقهای امامیه قائل به حلیت صوت غنایی زنان به معنای عام هستند. اما در مورد صوت غنایی زنان به معنای خاص که همان خوانندگی معهود و معروف عرف می‌باشد، هیچ فقیهی از فقهای امامیه حکم به حلیت صوت غنایی زنان نکرده است و اگر هم فقیهی چون آیت الله خامنه‌ای، حکم به عدم حرمت کرده با شرایط و ضوابط خاصی است که به قول خود ایشان، این شرایط هم در خارج محقق نمی‌شود.

علمای اهل سنت:

وهبه الزحیلی: برخی از حنفیه و حنابله و مالکیه، غنا بدون آلات طرب را مباح می‌دانند بدون کراهت و ظاهراً این رأی بعض راجح است (الزحیلی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۶۶).

ابن قدامه: سعد بن ابراهیم و تعداد زیادی از اهل مدینه و عنبری فتوا داده‌اند به مباح بودن غنا بدون کراهت؛ به‌خاطر روایتی از عایشه (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۵۵).

ابن حزم اندلسی: در بحث غنا: در ایام عیدین (فطر و قربان) غنا و بازی و رقصیدن، خوب است، در مسجد و غیر آن، و روایتی را از قول عایشه نقل می‌کند که عایشه گفت: بر رسول خدا (ص) وارد شدم در حالی که نزد من دو کنیزک آوازه‌خوانی بود که غنا می‌کردند، پس حضرت به رختخوابش رفت و صورتش را برگرداند؛ پس ابوبکر داخل شد و من را از این کار نهی کرد و گفت مزار شیطان نزد رسول خدا (ص)، حضرت صورتش را برگرداند به سمت ابوبکر و فرمود: او را رها کن.. (ابن حزم اندلسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۴).

توجه: فقهای اهل سنت هم در حکم صوت غنایی زنان هم با هم اختلاف نظر دارند؛ به‌طوری‌که بسیاری از ایشان به روایتی از عایشه استناد می‌کنند و: ۱- حکم به حلیت صوت غنایی و خوانندگی زنان در ایام عید و سرور و شادمانی می‌دهند ۲- بسیاری از فقهای اهل سنت این حدیث را شرح می‌دهند و می‌گویند: الف) منظور از جاریه،

دختران نابالغ هستند ب) و یا عایشه می گوید: این‌ها مغنیه نبودند و کار و شغلشان غنا کردن نبوده است ج) و منظور از غنای در روایت، غنای از نوع حلال آن می‌باشد و منظور همان شعرخوانی متداول نزد عرب بوده است و منظور غنایی که باعث تحریک و به گناه انداختن باشد نمی‌باشد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

با این که متقدمین فقهای شیعه نظر به حرمت صوت غیر غنایی زنان داشتند؛ ولی در بین متأخرین و خصوصاً معاصرین، کمتر فقیهی قائل به این نظر است، حتی در مورد صوت غنایی زنان به معنای عام هم عده‌ای قائل به حلیت هستند و غنای به معنای خاص (خوانندگی) راهم قلبی از معاصرین مشروط به عدم مفسده جایز می‌دانند، و این به معنای آن است که، اولاً: عرف جامعه و شرایط زمانی و مکانی در حکم -مسائلی که در شریعت فی نفسه حرام نبوده -تاثیر گذار بوده است، ثانیاً: صوت فی نفسه دارای حرمت ذاتی نمی‌باشد/ بلکه به دلیل معنون شدن به عناوین حرام از خارج، حکم حرمت بر آن بار می‌شود.

در نهایت می‌توان چنین برداشت کرد که: بنابر فقه شیعه و اهل سنت در صورتی که صوت و خوانندگی زنان مفسده انگیز نباشد جایز است، ولی زنان به خاطر ظرافتی که دارند و مردان به دلیل عدم تسلط بر انگیزه خویش، غالباً خوانندگی زنان موجب مفسده می‌باشد و شاید به همین دلیل هم باشد که نسبت به این مقوله (خوانندگی) اکثر فقها، احتیاط کرده و حکم به جواز نداده‌اند.

با توجه به این که زنان بیش از نیمی از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده‌اند واز همه مهم‌تر به دلیل این که با گذشت زمان، زنان حضور بسیار چشمگیری در جوامع، علی‌الخصوص جوامع اسلامی، و به طور خاص در جامعه اسلامی ما دارند لازم است به این مسئله عمیق‌تر و دقیق‌تر و موشکافانه‌تر نظر بشود و دیدگاه شرع مقدس اسلام را - با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، به شرطی که مقتضیات زمان و مکان را هم در نظر بگیریم و از هرگونه تعصب و درعین حال افراط و تفریط پرهیز کنیم - با عقل (اجتهادی) به دست آوریم و در اختیار جامعه اسلامی قرار دهیم.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. _____ (۱۴۱۵ق). المقنع، محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه امام هادی (علیه السلام)، قم: مؤسسه امام هادی (علیه السلام).
۴. ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن سعید (بی تا). المحلی، بی جا: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. ابن قدامه، ابو محمد موفق الدین عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق). المغنی، بیروت: دار الفکر.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۷. حرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحقائق الناضره فی احکام العترة الطاهره، محقق و مصحح: شیخ محمدتقی ایروانی. سید عبد الرزاق مقرر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. بستانی، فؤاد افراهم (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی.
۹. جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، محقق و مصحح: سید محمد کلانتر، قم: کتابفروشی داوری.
۱۰. _____ (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. _____ (بی تا). حاشیه شرایع الاسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۲. الجزیری، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۲۴ق). الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. جزینی عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۱۹ق). ذکر الشیعه فی احکام الشرعیه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۴. _____ (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. _____ (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیه، محقق و مصحح: محمدتقی مروارید و علی اصغر مروارید، بیروت: دار التراث - الدار الاسلامیه.
۱۶. خامنه ای، علی (۱۴۲۰ق). اجوبه الاستفتاءات (بالعربیة)، بیروت: الدار الاسلامیه.
۱۷. _____ (بی تا). اجوبه الاستفتاءات (بالفارسیه)، بی تا: بی جا.

۱۸. الزحیلی، وهبه (بی تا). *الفقه الاسلامی و ادلته*، بیروت: دار الفکر.
۱۹. زمخشری، محمد بن عمر (۱۳۸۶ ش). *مقدمه الادب*، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۲۰. زیدان، عبد الکریم (۱۴۱۳ ق). *المفصل فی احکام المرأة و البيت المسلم*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۱. سبزواری، محمدباقر بن محمد مومن (بی تا). *کفایه الاحکام*، بی تا: بی جا.
۲۲. سیستانی، علی (بی تا). *منهاج الصالحین*، بی تا: بی جا.
۲۳. صدر، محمد (۱۴۲۰ ق). *ماوراء الفقه*، محقق و مصحح: جعفر هادی دجیلی، بیروت: دار الاضواء للطباعه و النشر و التوزیع.
۲۴. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۰۹ ق). *العروة الوثقی*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۵. طباطبایی حکیم، محسن (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۶. طباطبایی، علی بن محمد بن ابی معاذ (صاحب ریاض) (۱۴۱۸ ق). *ریاض المسائل*، محقق و مصحح: بهره-مند. محسن قدیری. کریم انصاری. علی مروارید، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۲۷. طریحی، فخر الدین محمد (۱۳۷۵ ش). *مجمع البحرین*، محقق و مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۲۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*، محقق و مصحح: سید محمدتقی کشفی، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۲۹. _____ (۱۴۰۷ ق). *الخلاف*، محقق و مصحح: شیخ علی خراسانی. سید جواد شهرستانی. شیخ مهدی طه نجف. شیخ مجتبی عراقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. _____ (۱۳۹۰ ق). *استبصار فیما اختلف من الاخبار*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. _____ (۱۴۰۰ ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۲. _____ (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الاحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. علامه حلّی، حسن بن یوسف مطهر اسدی (۱۴۱۲ ق). *منتهی المطلب*، محقق و مصحح: بخش فقه در جامعه پژوهش های اسلامی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۳۴. _____ (۱۴۱۰ ق). *ارشاد الازهان الی احکام الایمان*، محقق و مصحح: شیخ فارس حسون، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. _____ (۱۴۱۳ ق). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، محقق و مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۶. _____ (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، محقق و مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی قم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. _____ (۱۴۲۱ق). *تلخیص المرام فی معرفه الاحکام*، محقق و مصحح: هادی قیسی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۸. _____ (بی تا). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*، بی تا: بی جا.
۳۹. _____ (بی تا). *تذکره الفقهاء (قدیمی)*، بی تا: بی جا.
۴۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی ابن شاه محمود (۱۴۰۶ق). *الوافی*، محقق و مصحح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
۴۱. الکاسانی، علاء الدین ابوبکر بن مسعود بن احمد (۱۴۰۶ق). *بدایع الصنائع*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، محقق و مصحح: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۴. _____ (۱۴۱۸ق). *المختصر النافع فی فقه الامامیه*، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیه.
۴۵. محقق کرکی، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، محقق و مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۴۶. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق). *الفقه علی مذاهب الخمسه*، بیروت: دار التیاد الجدید.
۴۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق). *احکام النساء*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۴۸. مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدۀ و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، محقق و مصحح: آقا مجتبی عراقی. شیخ علی پناه اشتهااردی. آقا حسین یزدی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۹. _____ (بی تا). *زبدۀ البیان فی احکام القرآن*، محقق و مصحح: محمدباقر بهبودی، تهران: المکتبۀ الجعفریۀ لاحیاء الآثار الجعفریۀ.
۵۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۶ش). *تحریر الوسیله*، تهران: مکتبۀ اعتماد کاظمی.
۵۱. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*، قم: نشر مدینه العلم.
۵۲. _____ (بی تا). *موسوعه*، بی تا: بی جا.
۵۳. موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ق). *افصاح فی فقه اللغه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۵۴. النیسابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا). صحیح مسلم، محقق: محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۵۵. نجفی، محمدحسن بن باقر (صاحب الجواهر) (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محقق و مصحح: شیخ عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۵۶. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام).

۵۷. _____ (بی تا). رسائل و مسائل، بی تا: بی جا.

سایت ها

سایت khamenei.ir دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای.

The Jurisprudential Study of Women's singing in Islam

One of the main issues discussed in the jurisprudence, is the issue of women's voice, on which there are some disagreements among experts (Faqihs.) In this study we have divided this voice to lyrical and non-lyrical forms. The voice of women in non-lyrical form, like giving a speech has been considered as illegitimate by the early faqihs of Shia Sect. However, the contemporary experts, regarding the Sira (life style/biography) of Imams and Islamic Sira, have interpreted the women's non-lyrical voice as permitted and allowed. Regarding the lyrical form, the early and first faqihs who considered the lyrical form as unlawful and illegitimate, undoubtedly and evidently interpret the lyrical form as illegitimate, too. But other faqihs who do not have a problem with non-lyrical voice, have disagreements on the lyrical one. Some believe that it is "legitimate" and permitted (through resorting to reasons and documents) and many others interpreted it as "legitimate" and lawful, because the Quran, Sunnah and Ijma know the lyrical sound as inherently and essentially illegitimate. Most of the Sunni faqihs believe in the legitimacy of it. At the same time, some of Imamia sect's faqihs believe in the illegitimacy of lyrical voice and divide it to "halal" and "haram" categories. Infact, they know women's voice and singing as permitted, if it does not deviate people from the right path.

Keyword: Voice, Lyric, Women, Islam, singing.